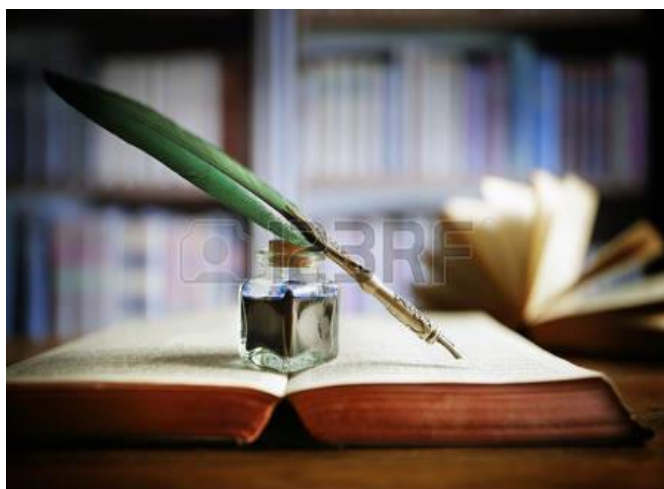


ادبیات داستانی و ظهور زنان داستان سرای افغان

بخش سوم



مقدمه مؤلف:

در بخش اول این مبحث به معرفی ادبیات داستانی و نویسندگان پیش قدم درین زمینه، مخصوصاً تحریر داستان های کوتاه که در مملکت ما بر عکس قسمت اشعار و نثر نویسی ادبی سابقه تقریباً یک قرن دارد، پرداختیم و بصورت خاص به سوابق و معرفی زنان داستان سرا آغاز نموده و سوانح مختصر چند شخصیتی از ادبیات داستانی را خدمت خوانندگان ارجمند بیان داشتیم.

به ادامه این سلسله، البته طوریکه وعده گردید، بازهم به سراغ زنان داستانسرای افغان، در اثر محترم «حسین محمدی» رفته و به صورت مختصر بر سوابق شخصیت های مختلفه دیگری به ترتیبی که در کتاب «روایت» در فصل «شهرزاد افغانی» درج می باشد، روشنی می اندازیم. البته عجلتاً نمونه هایی از آثار زنان داستان سرای افغان را که در دو کتابی که در مورد تاریخچه ادبیات داستانی در افغانستان، تحریر گردیده، به نسبت طوالت مبحث مثال نمی آوریم:

ملالی موسی: داستان نویس و نقاش، در اصل از مردمان قندهار است که در سال ۱۳۲۱ شمسی در شهر کابل زاده شده است. آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی را در لیسه ملالی سپری کرده و سپس از پوهنخی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل لیسانس گرفت.

او از سال ۱۳۳۹ به داستان نویسی روی آورد، بیشتر داستان هایش را در روز نامه انیس به چاپ رسانیده است. ظاهراً او بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ از کشور خارج شده و سالهای سال است که

با فامیل در امریکا زندگی می نماید. او به مدت ۲۰ سال مسئول یک دفتر مسافرتی بوده و دیگر داستانی از او منتشر نشده است. چندی است که دوباره قلم به دست گرفته و به نام ملالی موسی نظام می نویسد؛ اما نوشته هایش در وادی سیاست و مسائل اجتماعی است. به قول خودش با مطبوعات و سایت های "افغان های کاملاً ملی گرا" همکاری قلمی دارد.



ملالی موسی نظام «نیم تاج هوس»

در داستان نویسی افغانستان، از او فقط داستان کوتاه «نیم تاج هوس» در دست است که برای اولین بار در سال ۱۳۳۹ در روزنامه انیس منتشر و برندهٔ جاززهٔ اول مطبوعاتی شده است. این داستان از «جنگ پیمانه، کابل-۱۳۴۲» انتخاب و نشر گردیده است. ولی وی در روز نامهٔ انیس اکثر پنجشنبه ها داستان و یا پاورقی به نشر می سپرد که متأسفانه بخاطر اوضاع نا به سامان افغانستان بعد از آن، در دسترس نمی باشد، مگر در شماره های روزنامهٔ انیس سال های همکاری وی.

دنیا غبار: دنیا غبار خانم داستان نویس، شاعر و نقاش، دختر میر غلام محمد غبار نویسنده و مؤرخ نامی افغانستان در سال ۱۳۲۱ شمسی در کابل چشم به جهان گشود. تعلیمات ابتدایی، متوسطه و عالی را در لیسهٔ ملالی به پایان رسانید و در پوهنتون کابل طب خوانده و در پهلوی طبابت به داستان نویسی پرداخت. از او نیز داستان های معدودی در دست است و از دههٔ پنجاه به بعد دیگر داستانی از او منتشر نشده است. سال های سال است که در امریکا زندگی میکند و آخرین اثرش مجموعهٔ شعری به زبان انگلیسی است. داستان «گذشتهٔ من» از کتاب «جنگ پیمانه کابل – ۱۳۴۲» اثر موسی همت، انتخاب شده است.

2019



دنیا غبار «گذشته های من»

کامله حبیب: کامله حبیب نیز جزء نخستین زنان افغان است که به داستان نویسی روی آورد. او در سال ۱۳۲۴ چشم به جهان گشود و تحصیلاتش را تا سطح متوسطه گذرانید؛ از همان دوران تحصیل داستان می نوشت و نخستین آثارش در روزنامه «بیدار» مزار شریف به چاپ رسیده است. کامله حبیب در کنار آموزگاری هم کارش را با مطبوعات در سال ۱۳۴۸ آغاز کرد و در نشریات مختلفی از جمله، در روزنامه «حقیقت انقلاب ثور» و سپس، در مجله «سباوون» کار میکرد. کامله داستان های اندکی نوشت و دیگر هم داستان نوشت و نامش با داستان کوتاه «وفا» در تاریخ ادبیات افغانستان یاد میشود، چون از اولین زنانی بوده که به داستان نویسی روی آورد. او در حال حاضر در استرالیا زندگی می کند. «وفا» از کتاب «سیمها و آواها» انتخاب شده است.

مریم محبوب: مریم محبوب در سال ۱۳۳۴ شمسی در فاریاب چشم به جهان گشوده، دوران کودکی را در شهر میمنه سپری و آموزش ابتدایی الفبا را در مکتب خانه «ملکه جلال» هرات آغاز کرد. به خاطر کوچ نمودن خانواده از هرات به کابل، وی وارد مکتب متوسطه سوریا و سپس از لیسه عایشه درانی فارغ شده و همکاری اش را با مطبوعات آغاز کرد. بعد از دو سال کار مطبوعاتی در روزنامه «انیس» و مجله «ژوندون»، برای تحصیلات عالی عازم تهران گردید. وی در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران مشغول گردید. بعد از پایان تحصیل در سال ۱۳۵۸ شمسی دوباره به وطن بازگشت، اما نتوانست بیش از دو سال در وطن دوام بیاورد و در سال ۱۳۶۰ شمسی مجبور به ترک کشور شد و مدتی را در پاکستان و هند زندگی کرد و نوشته های گوناگونش در زمینه های مختلف در نشرات مقاومت بیرون مرزی چاپ شده است.



مریم محبوب «خانه دلگیر»

در سال ۱۳۷۵ شمسی به کوشش همسرش زلمی بابا کوهی، مسئولیت دو هفته نامه اجتماعی، فرهنگی و خبری «زرنگار» را بر عهده گرفت که تا هنوز هم در همین سمت مشغول به کار است. از او چهار مجموعه داستان منتشر شده است: درخت ها کارتوس گل می کنند « پشاور - ۱۳۶۱ » خانه دلگیر « کابل - ۱۳۶۹ »، گم « کانادا - ۱۳۷۸ » و خانم جورج « کانادا - ۱۳۸۲ ».

پایان قسمت سوم